

اقتصاد و فرهنگ در جامعه تشیع

امیرفیض- حقوقدان

انگیزه تنظیم این تحقیق اظهارات اخیر سید علی خامنه ای است مبنی بر اینکه:

<فرهنگ از اقتصاد مهم تر است>

تجزیه تحلیل اظهارات او لازم میسازد که فرهنگ و اقتصاد را در جامعه تشیع ایران بشناسیم تا فرض قیاس و برتری آن، مورد بحث و نقد قرار گیرد.

اقتصاد در اسلام و تشیع

اقتصاد از علوم جدید است که دامنه وسیع آن امکان تعلق تعریف جامعی را دشوار ساخته است، بهمین جهت در دوران های مختلف از سوی علمای علم الاجتماع با تعاریف خاصی روبرو بوده است، از باب مثال قرآن و علمای اسلامی اقتصاد را به معنای میانه روی گرفته اند. ارسطو از اقتصاد معنای علم خانه داری را برگزیده. مارشال، اقتصاد را روش شغل زندگانی گرفته. آدام اسمیت تعریفی ارائه داده که با ماهیت اقتصاد، نزدیکی بیشتری دارد میگوید <اقتصاد بررسی چگونگی ثروت برای زندگانی بهتر است>.

برای اینکه بدانیم که اقتصاد در جامعه تشیع از کدام تعریف تبعیت میکند باید مسیری را انتخاب کرد که جامعه شناسان خط کشی کرده اند تا تعریف از حالت نظری خارج باشد.

سن سیمون، جامعه شناس معروف گفته است <هنر نظام اجتماعی، نوعی کاربرد فلسفی دارد> گفتار او بر این معناست که نظام اجتماعی حاکم بر جامعه ای متوقف بر فلسفه ای است که بر آن جامعه حکومت میکند و یا به عبارت دیگر کیفیت هر جامعه ای رابطه مستقیم با اعتقادی دارد که بر آن جامعه حکم فرمات. <

سیمون، به ظاهر جامعه و نحوه زندگانی مردم اهمیت نداده و بلکه به فلسفه ای که بر جامعه حکومت میکند متکی شده است.

هانری مندراس جامعه شناس فرانسوی نیز معتقد است که <حرفها و خواست های مردم اهمیت ندارد عقیده بنیادی بر جامعه مهم است>

هانری مندراس همان نظریه سیمون را دارد ولی جدی و راسختر و واضح تر یعنی به ظاهر و حرفها و ادعا ها نگاه نکنید، عقیده بنیادی حاکم بر جامعه را برای شناخت جامعه ملاک قرار دهید.

عقیده حاکم بر جامعه، یک منبع قدرت است که تراوشات آن، جامعه را در همان مسیری به حرکت در میآورد که خواست آن قدرت است. **در این حالت است که انسان ها نا خودآگاه در مسیری قرار میگیرند که**

بامسیر متاثر از تراوشات قدرت عقیده حاکم بر جامعه تفاوت دارد مانند جوامع اسلامی و تشیع امروزی که برخلاف قدرت عقیده دینی و مذهبی در مسیرهای دیگری افتاده اند.

قدرت حاکم بر جامعه ایران دین و مذهب است که با ریشه های اعتقادی بر توده ها، جامعه ایران را شکل داده است.

براین اساس، معتبرترین راه برای شناخت اقتصاد و همچنین فرهنگ در جامعه تشیع ایران رجوع به فلسفه اسلام و تشیع است و اگر غیر از این راهی انتخاب شود امری نظری و قابل اعتبار نخواهد بود.

اقتصاد در اسلام

اگر اقتصاد را راه و روش مناسب برای زندگی بهتر و درآمد و ثروت بدانیم، اسلام نه تنها برای زندگی مادی و رفاه و معیشت پیروان خود دستورالعملی نداده بل، اسلام با رفاه، آسایش، ثروت و دل بستگی به زندگانی یک مخالفت و دشمنی بسیار جدی دارد؛ تاحدی که با تهدید و ارباب و بی حوصلگی آنها را تکفیر و مستوجب مجازات دانسته است، از باب نمونه در آیه ۱۰ سوره اعراف کسانی که به زندگی دل بستگی یافته و از آن احساس خشنودی کرده اند، در عرض کسانی شناخته شده اند که آیات خدا را نادیده گرفته و از آن غافل مانده و مشترکا تهدید به آتش دوزخ شده اند.

قرآن در آیه ۳۱ سوره الحاقه؛ کیفیت دستگیری کسانی را که دوستدار زندگانی باشند چنین تعیین کرده است:

«از مصدر خداوند جبار فرمان صادر میشود به فرشتگان غضب، که بگیرند او را و بازنجیر هائی بطول ۷۰ ذرع زنجیر کنند. غذای این زندانیها چرک و خون است» (آیه ۳۶ همان سوره) «و بهنگام تشنگی به آنان آبی چون فلزات گداخته که بریان میکند آنها را میدهند» (آیه ۲۹ سوره الکهف) امام صادق در تفسیر آیه مزبو آورده است که «آبی که به اهل دوزخ داده میشود مشتمل بر عرق اهل جهنم و چرک و خون فرج های زنان زنا کار است که دردیگهای جهنم جوشانده شده و بوی گند آن چنان است که قطره ای از آن به اهل زمین داده شود همگی بمیرند» (راهنمای بهشت جلد ۴)

مزايا و زندگانی بهتر از نظر اسلامی یعنی چه

این بحث ناقص است اگر گفته نشود که زندگی بهتر که خدا آنرا برای انسان ها منع کرده شامل چه چیزهائی است. قرآن در آیه ۱۲ سوره آل عمران مزایای زندگی را که موجب دل بستگی انسان به دنیا میشود شمارش کرده و میگوید: «مزایای زندگانی که موجب دل بستگی به دنیا میشود مشتمل است بر زن - فرزند - مالهای زیاد و انبوه - نقره - اسبان - شتر و گاو و گوسفند و زراعت» و در تفسیر الصادقین آمده است که: «مزایای زندگی دنیوی از آن ۶ چیز بیرون نیست و شیطان است که فراهم کننده آن هاست».

روزی دهنده خداست

اصل معتبرمورد باور یقینی مسلمانان بر این مهم است که روزی دهنده خداوند است و خداست که هیچ جنبنده ای رابی روزی نمیگذارد - خداوند ضامن روزی هر جنبنده ای است - از خدا بوسیله محمد نقل قول شده که گفته: «همانطور که من عبادت فردای شمارانمیخواهم شما هم روزی فردا را از من نخواهید و من روزی هر روز شمارا خواهم داد» - فراخی و تنگی روزی دست خداست و بهر کس هر چه میخواهد میدهد.

اگر در جهان غیر اسلامی کار و سرمایه و ابزار کار و برنامه ریزی از اسباب تامین زندگانی است در اسلام فقط خواست خداست و انسان ها نقشی در فراهم کردن زندگی خود ندارند نقش انسان فقط عبادت است

«مشغول شدن به ذکر دعا بعد از نماز واجب، فضیلت، بسیار دارد، وارد شده که در طلب روزی موثرتر است تا اینکه گردشها بگردد در طلب روزی.....» (امام صادق کتاب العشرات ۳۵۴) ^۱

فقر بجای ثروت

خدا در قرآن اگر مال و ثروت و تمکن را محکوم و قابل مجازات دانسته متقابلاً برای فقر، ارج و قرب الهی قائل شده و حدود ۸ آیه در مدح فقر و مقام فقرا دارد و پشتوانه آیات مزبور بسیار، بسیار روایات و احادیث و سنت است که جامعیت فقر را توجیه ساخته است؛ از محمد است: «فقر امانتتست که حق تعالی به خلق سپرده است» «حق تعالی روز قیامت التفات میفرماید به فقرای شیعه مانند کسی که معذرت بخواهد از کسی دیگر» (از امام صادق = عین الحیات ۳۶۰) ^۲

به همین اعتباری که اسلام برای فقر قائل میباشد، محمد خاتمی معروف به آیت الله گفته: «برزگترین گام انقلابی در زمینه اقتصادی توزیع و تقسیم فقر ریشه دار و گسترده میان جامعه است.....».

روابط مالی مردم با حکومت جمهوری اسلامی

فلسفه اسلام، وجود حکومت اسلامی، زکات، انفال و جهاد، دولت اسلامی ایران را متعهد تامین هزینه زندگی عموم مسلمانان ایران ساخته و بهیچوجه الزام شرعی برای کار کردن آنها نیست، روزی که خمینی گفت در دولت اسلامی آب و برق و اتوبوس و غیره مجانی می شود، تشریح همین اصل مهم در رابطه بین حکومت اسلامی و مردم است چنانکه در زمان محمد و خلفای راشدین مردم با حقوقی که از بیت المال (خزانه حکومت) می گرفتند زندگی میکردند و هم اکنون هم این سیاق آثارش در کشورهای عربستان و کویت دیده میشود و اقدامات اخیر حکومت اسلامی در دادن باصطلاح یارانه بخشی از همان سیاست اسلامی

^۱ - دستور خدا و امام صادق است تا گدا و گدا پروری و دوره گردی و تکدی و دراز کردن دست و کار نکردن و زحمت نکشیدن رواج پیدا کند. جامعه در تنگنا و بدبختی می افتد. از همینرو است که گدا و بدبختی و گرفتاری های اجتماعی و عقلی در همه کشور های مسلمان از هرجای دیگر بیشتر است. ح-ک

^۲ - همین دستورات از سوی امپریالیسم انگلستان بر کشورهایایی که تصاحب کرده ویا بر آن ها تسلط یافته جاری شده است. در جوامع مسلمان بجای مبارزه با تحمیل گدا پروری از سوی انگلستان به راهی که دینشان سفارش کرده رفته اند و فلج اجتماعی رخ داده است. ح-ک

است که قرآن در آیه ۶ سوره نسا میگوید: «اغنيا بايد بدهند به فقرا و فقرا بايد بخورند به خوبی» (کارکردن خر خوردن یابو).^۳

رابطه تحقیقی اقتصاد و اسلام

از ملاحظات بالا ثابت و محرز شد که اسلام برای زندگانی ارزش و اعتباری قائل نیست و شیفتگان آنرا گمراه و مستوجب مجازات های سخت میداند، و در یکی از آیات سوره عنکبوت آمده است: «نیست این زندگانی جز هزل و بازی».

بنابراین نمیتوان قبول کرد که اسلام برای هزل و بازی منفور و مطرود، برنامه و مقررات تشویقی و حمایتی خاصی داشته باشد، الا اینکه مجازات کسانی را که به آن بازی های هزل و منفور کشیده شده اند منظور دارد که داشته است.

اساسا عقلانی نیست موضوعی که ممنوع و غیرقانونی است برای انجام آن عمل، مدرسه و مقررات وضع کرد، قرآن هم به اعتبار آنکه برای تحصیل ثروت و دل بستگی به زندگی که از لوازم اصلی کار و ثروت مندی است اعتباری قائل نیست.

از آنجا که اقتصاد، طریقه تامین معیشت و زندگانی مردم است و از آنجا که خدا ضامن معیشت مردم است کیفیت انتخاب طریقه هم با خداست نه مسلمانان! لذا فرض وجود اقتصاد در جوامع اسلامی، فسخ ضمانت خدا محسوب میشود و طرح شدنی نمیشود.

اقتصاد و تشیع

تشیع، در مسیر خارج از اسلام در تعبیر و تشبیه اقتصاد قرار نگرفته و بلکه آنرا بقول معروف خرفهم ساخته است.

در جامعه اسلامی ایران برای اولین بار روح الله خمینی رهبر شیعیان ایران که در مقام اجتهاد هم قرارداد داشت تفسیر «اقتصاد مال خراست» را ارائه داد در حالیکه تفسیر مزبور از علی امام اول شیعیان بوده و هست و خمینی از او اقتباس کرده است؛ اجازه بدهید تفسیر علی از اقتصاد آورده شود تا بحث متکی به دلیل پیش برود.

تفسیر علی از اقتصاد

«سوگند یاد میکنم به ذات خدا که به خواست خدانفس خویش را چنان ورزیده سازم و گرسنگی بدهم که به قرص نانی و اندکی نمک قناعت بورزد و آنرا معتم بشمارد. همانا آنقدر در خلوت های شب بگیریم که آب چشمه چشم خشک شود. شگفتا آیا این درست است که شتران در چراگاه ها شکم خویش را انباشته

^۳ - در همین رابطه کومونیست های جهان وطنی از نوع ایرانی و ملی مذهبی ها همواره فریاد کشیده اند «نان، کار، آزادی» ولی در کشور های کومونیست نه به ملت نان میدهند و نه کار و نه آزادی... بجای آن گرسنگی، بیگاری و اسارت فراوان است. سوراخ دعا گم کردگانی که دنبال مدینه فاضله میگردند. ح-ک

کنند و در خوابگاه خویش بخسبند و گوسفندان در صحرا خود را سیر کنند و در جایگاه خویش آرام بگیرند علی نیز شکم خویش را سیر کند و در بستر خود استراحت کند چشم علی روشن پس از سالیان دراز به چهارپایان اقتدا کرده است» (سیری در نهج البلاغه مرتضی مطهری صفحه ۲۴۵)

ملاحظه میفرمائید؛ علی اقتصاد را متعلق به چهارپا که همان خراسان دانسته و خمینی هم واژه خر را بکار برده است، و اگر کسانی فرصت داشته باشند و مشروح اظهارات خمینی را درباره تعلق اقتصاد به خر را بخوانند (درسنگراول اسفند ۱۳۷۱) حیرت خواهند کرد که حتی عبارات بکار رفته از سوی خمینی نیز اقتباس از همان جملات منتسب به علی است.

نتیجه گیری

از آنجا که اظهارات ائمه، برای شیعیان حجت است همانند سنت پیامبر، و اصل است مانند آیات قرآن و از آنجا که بموجب قانون اساسی جمهوری اسلامی، اجتهاد همانند قرآن و سنت از موازین حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی است:

بنابراین با تفسیری که از علی و در مرتبه اجتهاد از خمینی درست است تعلق اقتصاد به خر برای تمام شیعیان، امری مسلم و غیر قابل اجتناب است و همانند حکم خدا در دیگر ابواب اسلامی است لذا ادعای سید علی خامنه ای مبنی بر برتری فرهنگ بر اقتصاد میشود؛ «برتری فرهنگ بر خر» که در بیطرفانه ترین حالت و رعایت قواعد قیاس و تشبیه میتوان گفت «اقتصاد مال خراسان و فرهنگ از آن گاو»

(شاید در فرصتی موقعیت فرهنگ در اسلام هم نیاز به طرح داشته باشد)